

بررسی تطبیقی پایدارهای مقایسه‌ای به‌عنوان واحدهای زبانی نشاندار شده فرهنگی؛ مقایسه موردی پایدارهای مقایسه‌ای توصیف‌کننده گفتار

شلیر ابراهیم شریفی*

دانشجوی دکتری آموزش زبان روسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۲۰)

چکیده

رابطه زبان، تفکر و فرهنگ از مسائلی مورد توجه زبان‌شناسان از قرن نوزده تاکنون بوده است. با اثبات ارتباط تنگاتنگ و متقابل این حوزه‌ها در دهه پایانی قرن بیستم علم جدیدی بر پایه ادغام زبان‌شناسی و فرهنگ‌شناسی به نام زبان‌شناسی فرهنگی به وجود آمد که موضوع آن بررسی ارتباط متقابل زبان و فرهنگ، و تفسیر این ارتباط است. امروزه نمی‌توان در حوزه زبان‌شناسی کار کرد و وانمود کرد زبان‌شناسی فرهنگی وجود ندارد. تجلی فرهنگ در واحدهای زبانی باعث می‌شود نشانه‌های زبانی به‌عنوان گدهای فرهنگی عمل کنند و آینه تمام‌نمای طرز فکر ملی - فرهنگی گویشوران زبانی باشند. در این مقاله، نویسنده با اشاره به اهمیت بررسی پایدارهای مقایسه‌ای به‌عنوان واحدهای زبانی نشاندار شده فرهنگی، اهمیت توجه به آن در آموزش زبان و ارتباط بین‌فرهنگی را نشان می‌دهد. این مقاله در حوزه زبان‌شناسی فرهنگی مقابله‌ای است و روش کار، تطبیقی - توصیفی می‌باشد.

واژگان کلیدی: زبان، فرهنگ، زبان‌شناسی فرهنگی، نماد، تصویر زبانی جهان، پایدار مقایسه‌ای.

* E-mail: shler_sharifi@yahoo.com

مقدمه

رابطه متقابل زبان و فرهنگ یکی از اصلی‌ترین مسائل مورد توجه زبان‌شناسان از قرن نوزده تاکنون بوده است (زبان‌شناسانی مانند؛ یاکوب گریم، راسک راسموس، ویلهلم همبولت، الکساندر پاتینیا). «زبان» اصلی‌ترین ابزار ارتباطی انسان و نیز اصلی‌ترین ابزار انتقال فرهنگ میان نسل‌های مختلف بشر است. «زبان» و «فرهنگ» دو مقوله کاملاً به هم پیوسته هستند. زبان، ابزار اصلی یادگیری فرهنگ و طرز فکر ملی است و فرهنگ هم موجودیت خود را در زبان به عنوان یکی از مهم‌ترین سیستم‌های نشانه‌شناختی پیدا می‌کند.

تفکر قبل از هر چیز با واقعیت (جهان درون و بیرون) در ارتباط است. وقایعی در زبان ثبت و ضبط می‌شوند که از نظر گویشوران آن زبان، برای درک جهان حائز اهمیت هستند. آلفیرنکو در این باره می‌نویسد:

«در فکر زبانی چیزهایی ثبت می‌شود که برای آن فرهنگ زبانی چه از نظر شناختی و چه از نظر الگوهای ارتباطی، ارزش خاصی داشته باشند. در حالی که به زبان مادری تکلم داریم، از همان کودکی جهان را از زاویه دیدی که زبان مادری برای ما ترسیم کرده است و همان‌گونه می‌بینیم که در محدوده شناختی آن فرهنگ قومی-زبانی تجلی یافته است. با در نظر گرفتن این واقعیت که فرهنگ، ماهیت زبانی دارد، می‌توان گفت که ساختار معنایی زبان مادری همزمان فرم شناخت‌های فکری-زبانی ما و نماد تفکر قومی-فرهنگی را ترسیم می‌کند» (65) (Алефиренко, 2010).

کلود لوی استروس درباره رابطه زبان و فرهنگ می‌نویسد:

«زبان همزمان هم محصول فرهنگ و هم بخش مهم سازنده آن و شرط موجودیت یافتن فرهنگ است. زبان روشی خاص و منحصر به فرد موجودیت یافتن فرهنگ و عامل شکل‌گیری کدهای فرهنگی است» (Маслова, 2001: 25)

ماسلوا به عنوان یکی از متخصصان زبان‌شناسی فرهنگی معتقد است:

«از آنجا که هر گویشور زبانی همزمان حامل فرهنگ نیز می‌باشد، لذا نشانه‌های زبانی این قابلیت را پیدا می‌کنند که نقش نشانه‌های فرهنگی را نیز ایفا کرده است و ابزار انعکاس‌دهنده فرهنگ نیز باشند. دقیقاً به همین دلیل زبان می‌تواند طرز فکر قومی-فرهنگی گویشوران خود را منعکس کند» (Ibid: 62-61).

تا قبل از ۱۹۹۰ میلادی، زبان موضوع بررسی علم زبان‌شناسی و فرهنگ نیز در حیطه فرهنگ‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گرفت. در دهه پایانی قرن ۲۰، شاخه جدیدی در زبان‌شناسی بر پایه ادغام زبان‌شناسی و فرهنگ‌شناسی، به نام «زبان‌شناسی فرهنگی» (Лингвокультурология) به وجود آمد. موضوع مورد مطالعه زبان‌شناسی فرهنگی،

بررسی تطبیقی پایدارهای مقایسه‌ای به‌عنوان ...

شلیر ابراهیم شریفی

بررسی ارتباط متقابل زبان و فرهنگ، و تفسیر این ارتباط است. آلفیرنکو در تعریف زبانشناسی فرهنگی می‌نویسد:

«زبانشناسی فرهنگی معاصر رویکردی علمی است که به بررسی ۱- روش‌ها و ابزار انعکاس عناصر فرهنگی در زبان، ۲- ویژگی‌های مربوط به انعکاس طرز فکر اقوام مختلف در زبان و ۳- قواعد قانونمند حاکم بر انعکاس مقولات و مفاهیم فرهنگی- ارزشی در معنای واحدهای زبانی می‌پردازد» (Алефиренко, 2010: 21).

«زبانشناسی فرهنگی» زبان را به‌عنوان یک پدیده فرهنگی بررسی می‌کند. از دیدگاه زبانشناسی فرهنگی، زبان نماینده طرز فکر خاص ملی است که از طریق آن، جهان‌بینی خاص هر ملت منعکس می‌شود. بدین ترتیب، در زبانشناسی سال‌های پایانی قرن بیستم، این مسئله به شدت مطرح است که زبان نه تنها با فرهنگ در ارتباط است، بلکه در آن رشد می‌کند و آن را بیان می‌کند. زبان همزمان هم ابزار تفکر، رشد و نگهداری فرهنگ و هم بخشی از آن است، چون به کمک آن، واقعیت‌ها و مفاهیم مادی و معنوی فرهنگی ایجاد می‌شوند.

اما «در حال حاضر، زبانشناسی فرهنگی چندین شاخه دارد که عبارتند از: ۱- زبانشناسی فرهنگی یک گروه اجتماعی و قومی. ۲- زبانشناسی فرهنگی در زمانی که به بررسی تغییرات زبانشناختی- فرهنگی یک قومیت در بازه زمانی مشخص می‌پردازد. ۳- زبانشناسی فرهنگی مقایسه‌ای که به بررسی شکل‌گیری زبانی- فرهنگی اقوام مختلف، ولی مرتبط با هم می‌پردازد. ۴- زبانشناسی فرهنگی مقابله‌ای که جزء جدیدترین گرایش‌های زبانشناسی فرهنگی است. ۵- فرهنگ‌نگاری زبانشناختی- فرهنگی که به بررسی، تهیه و تدوین فرهنگ‌های کشورشناختی- فرهنگ‌شناختی می‌پردازد» (28-29) (Маслова, 2001).

فرهنگ ملی هر کشور در تعامل و گفتگو با دیگر فرهنگ‌های ملی قرار می‌گیرد و در این میان، نقش عناصری که در فرهنگ مادری به آنها توجه نشده است، پررنگ می‌شود. به اعتقاد میخائیل باختین - فیلسوف و فرهنگ‌شناس روس - «ما از فرهنگ بیگانه سؤالات جدیدی خواهیم داشت که قبلاً آن فرهنگ از خود نپرسیده است و ما در آن فرهنگ به دنبال جواب سؤالات خود می‌گردیم. فرهنگ بیگانه به ما جواب می‌دهد و مفاهیم عمیق و جدید را پیش رویمان قرار می‌دهد» (Ibid: 20). این قاعده روابط بین فرهنگی و جزء لاینفک آن است که بررسی آن در حوزه زبانشناسی فرهنگی مقابله‌ای (Сопоставительная Лингвокультурология) قرار می‌گیرد. در مطالعات این حوزه، عناصر فرهنگی می‌توانند نه تنها به صورت واحدهای نامگذاری، بلکه در مقیاس فعالیت‌های ارتباطی، فعالیت‌های گفتاری و یا حتی عمیق‌تر، به‌عنوان عناصر دخیل در درک و فهم جهان نیز بررسی شوند. یافته‌ها و نتایج حاصل از مطالعات زبانشناسی فرهنگی مقابله‌ای می‌تواند عملاً در برقراری روابط میان فرهنگی، ترجمه و آموزش زبان خارجی مورد استفاده قرار گیرد.

تصویر زبانی جهان (Языковая Картина Мира) از جمله کلیدی‌ترین مفاهیم زبان‌شناسی فرهنگی است.

در واقع، «تصویر زبانی جهان، دانش افراد از جهان است که در تمام سطوح زبانی (لغوی، دستوری، فرازیاوژی/ امثال) ثبت شده است. این رفتار با شناخت قومی- زبانی جهان کاملاً مرتبط است. هر شخص آگاهانه یا غیرآگاهانه، حامل یک فرهنگ و سنت خاص است و رفتارهای خود را با سیستم کلی رفتارهای فرهنگی- اجتماعی پیوند داده است. تصویر زبانی جهان عبارت است از ثبت تصویر جهان به کمک ابزارهای زبانی در ذهن گویشوران» (Алефиренко, 2010: 102).

ماسلوا درباره ماهیت تصویر زبانی جهان می‌نویسد:

«هر زبانی به شیوه خاص خود جهان را تقسیم‌بندی می‌کند و روش خاص خود برای شناخت را دارد. پس می‌توان نتیجه گرفت که هر زبان، تصویر جهانی خود را دارد و گویشور زبان موظف است محتوی گفته خود را مطابق این تصویر سازماندهی کند. اینجاست که درک جهانی انسان که مندرج در زبان است، عملاً آشکار می‌شود. اگر جهان مجموعه انسان، محیط و کنش متقابل آنهاست، پس تصویر جهانی نتیجه پردازش اطلاعات مربوط به جهان و انسان است. به نظر وی، عواملی نظیر زبان، سنت، طبیعت، تربیت، آموزش و دیگر عوامل اجتماعی در شکل‌گیری تصویر زبانی جهان دخیل هستند. وی معتقد است که تصویر زبانی جهان، نوع رابطه انسان با جهان (طبیعت، حیوانات و یا حتی خودش) را شکل می‌دهد و اصول رفتاری انسان در جهان را تعیین می‌کند» (Маслова, 2001: 64-65).

انسان‌ها پیوسته در حال ارتباط با هم هستند و در اثنای این ارتباطها، فرهنگ ملی در تعامل با دیگر فرهنگ‌ها قرار می‌گیرد. نمی‌توان بدون در نظر گرفتن ماهیت فرهنگی کلام انتظار داشت ارتباطی موفق و خالی از اشکال با گویشوران سایر زبان‌ها برقرار شود. مسئله دانش میان فرهنگی و فرهنگی- زبانی اخیراً بسیار مورد توجه قرار گرفته است. واریبف از صاحب‌نظران زبان‌شناسی فرهنگی روسیه، دانش فرهنگی- زبانی (Лингвокультурная Компетенция) را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه اطلاعات فرهنگی مندرج در هر زبان» (Воробьев, 1997: 56). این اطلاعات برای برقراری رابطه کلامی و نوشتاری بسیار حائز اهمیت هستند و از نظر گویشوران زبان، نقض آنها رفتار نامناسب به شمار می‌آید. بدون در نظر گرفتن فرهنگ، نمی‌توان انتظار داشت آموزش زبان خارجی موفقیت‌آمیز باشد. یوری پراخوروف از زبان‌شناسان فرهنگی معاصر روس است که نگرش آموزشی نسبت به زبان‌شناسی فرهنگی دارد. به نظر وی، «در زنجیره آموزش زبان - آشنایی با فرهنگ - آموزش زبان»، فرهنگ بخش مهمی از نیازهای آموزشی است» (Прохоров, 2009: 96).

۱- مقایسه و اهمیت آن در شناخت و تجلی فرهنگ

یکی از اساسی‌ترین نیازها و مهم‌ترین ویژگی‌های انسان، توانایی کسب اطلاعات جدید و شناخت جهان پیرامون است. انسان با داشتن حجم معینی از اطلاعات، همواره تلاش می‌کند با تحلیل جهان پیرامون و مقایسه وقایع و اشیاء جدید و ناآشنا با آنچه برای وی از قبل شناخته شده است، سطح دانش و اطلاعات خود را ارتقا دهد. یکی از مهم‌ترین توانایی‌های مغز انسان، یافتن ویژگی‌های مشترک میان وقایع و اشیائی است که هیچ ربطی به هم ندارند یا توانایی تشخیص تفاوت‌ها در میان موارد نزدیک به هم است. مقایسه از قدیمی‌ترین اشکال تفکر انسان است. کنستانتین اوشینیک، بنیانگذار آموزش علمی در روسیه، با تأکید بر ماهیت شناختی مقایسه می‌نویسد: «مبنای هر نوع فهم و تفکر، مقایسه است. ما همه وقایع جهان را فقط از طریق مقایسه می‌شناسیم» (Ушинский, 1949: 323).

مقایسه (Сравнение) موضوع مورد مطالعه علوم گوناگونی چون فلسفه، زبانشناسی، روانشناسی و ادبیات است و هر یک از این علوم به سبک خود، آن را بررسی می‌کند. پیشتر به رابطه زبان و فرهنگ و تصویر زبانی جهان اشاره شد. با در نظر گرفتن این موارد و اهمیت مقایسه در شناخت جهان، می‌توان دلیل ورود مقایسه به سطوح مختلف زبانی (لغوی، صرفی، نحوی، واژه‌سازی) را فهمید (Валипур & Ибрагимшарифи, 2015: 49-47). مقایسه با انتخاب همراه است. اینکه گویشوران یک زبان تصمیم بگیرند کدام وقایع و اشیاء را در باب چه ویژگی‌هایی با هم مقایسه کنند، کلید اصلی رنگ فرهنگی مقایسات است. طرز فکر ملی و روح فرهنگی به شکل محتوای نمادین، وارد ساختار اجزای زبانی می‌شود، اما همه مقایسات موجود در زبان، بار ارزشی یکسانی از نظر میزان انعکاس فرهنگ ملی ندارند. بخشی از آنها جنبه فردی-خلاقانه دارند و مقایسات آزاد خوانده می‌شوند، ولی دسته دیگری هستند که به مرور زمان مورد استفاده تمام گویشوران زبان قرار گرفته‌اند و فرم نمادین و پایدار پیدا می‌کنند. این ترکیبات پایدار که مبنای ساخت آنها مقایسه است، در زبان روسی، «پایدار مقایسه‌ای» (Устойчивое Сравнение) خوانده می‌شوند. اینها مقایسات نمادینی هستند که لایه خاصی را در سیستم زبانی ایجاد کرده‌اند و مشخصه تولید مجدد (Воспроизводимость) دارند؛ یعنی به‌وسیله گویشوران زبان، هر بار در جریان گفتار از نو ساخته نمی‌شوند، بلکه به صورت عناصر آماده و پیش‌ساخته‌ای هستند که از میان ذخیره دانش زبانی انتخاب شده‌اند و مورد استفاده قرار می‌گیرند (Лебедева, 2001: 5). آگولسف پایدارهای مقایسه‌ای را لایه خاصی از امثال می‌داند.

از پایدارهای مقایسه‌ای در منابع زبان فارسی با عنوان «تشبیهات مثل‌گونه» یاد شده است. احمد ابریشمی اولین بار به سال ۱۳۷۶ در فرهنگ نوین ضرب‌المثل‌های فارسی، امثال را بر اساس کلیدواژه اصلی به ۸ دسته تقسیم کرد که یکی از آنها امثالی بود که با کلیدواژه «مثل» شروع شده‌اند. وی این دسته از امثال را «تشبیهات مثل‌گونه» نامید (ر.ک؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۷۳-۷۴).

مسئله تعلق پایدارهای مقایسه‌ای به امثال و اینکه باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند تا جزء امثال به شمار آیند، از مسائلی است که هنوز هم در میان صاحب‌نظران روس در باب آن اختلاف نظر وجود دارد. اما چه آنها جزء امثال باشند یا نباشند، ایرادی به این مسئله وارد نمی‌کند که آنها برچسب فرهنگی-ملّی دارند و با بررسی آنها می‌توان اطلاعاتی در باب خصیصه‌های فرهنگی و ملّی گویشوران زبان و تصویر زبانی جهانی به دست آورد.

مشخصه ملّی پایدارهای مقایسه‌ای در تفاوت انتخاب معیار (Эталон) مقایسه، در هر فرهنگ نهفته است. ماسلوا درباره معیار مقایسه می‌نویسد:

«اتالون یا معیار عبارت است از آنچه به‌وسیله آن، جهان اندازه‌گیری و سنجیده می‌شود. معیار بیش از هر چیز، در پایدارهای مقایسه‌ای زبان نمود دارد: شاد مثل پرنده، خبیث مثل گرگ. اما در کل، معیار می‌تواند به هر تصویری از سنجش و اندازه‌گیری جهان که از سوی انسان انجام می‌شود نیز اطلاق شود: تا گلو سیر شدن. معیار، ماهیتی است که ویژگی و کیفیت اشیاء، حوادث و موضوعات را اندازه‌گیری می‌کند. معیار با دستورات عمل نهفته در خود، روی انتخاب و ارزیابی تأثیر می‌گذارد» (43: Маслова, 2001).

بدین ترتیب، رنگ و بوی ملّی و فرهنگی پایدارهای مقایسه‌ای در انتخاب معیار مقایسه نهفته است؛ یعنی معیار مقایسه به‌عنوان یک عامل شناختی، نماینده دانش، طرز فکر و تفسیر جهان پیرامون از سوی گویشوران زبان است.

«پایدارهای مقایسه‌ای از نظر روابط منطقی-ساختاری قابل تفکیک به دو بخش می‌باشند: بخش مقایسه‌ای و بخش همراه. بخش مقایسه‌ای شامل حروف ربط مقایسه‌ای (در زبان روسی: как, будто, точно و... و در زبان فارسی: مانند، مثل، گویا و...) و کلمه یا گروه واژه‌ای است که شیء یا موردی را بیان می‌کند که مقایسه با آن انجام می‌گیرد: (بی‌دفاع/زبون) مانند مرغ خیس: беспомощный как мокрая курица. بخش مقایسه‌ای، ثابت و همیشگی است و ساختار غیر قابل تغییر دارد. بخش همراه شامل کلمه‌ای است که ویژگی مشترک مقایسه‌شونده‌گان را بیان می‌کند و مبنای مقایسه (Основание Сравнения) نام دارد: بی‌دفاع/زبون (مثل مرغ خیس). کلمه‌ای که مبنای مقایسه را بیان می‌کند، ثابت است، اما ثابت بودن آن، ماهیت نسبی دارد؛ یعنی با کلمات مترادف خود قابل تعویض است و یا می‌تواند در کلام ذکر نشود» (8: Лебедева, 2011).

این قابلیت حذف شدن بدان دلیل است که پایدارهای مقایسه‌ای به سبب تکرر استفاده از سوی گویشوران، در ذهن گویشوران ثابت و با همین معنا شناخته شده‌اند. برای مثال، استفاده از پایدار مقایسه‌ای «مثل قرص ماه» تداعی گر زیبایی در اذهان گویشوران زبان فارسی و «مثل خرس» تداعی گر بی‌دست و پایی در اذهان گویشوران زبان روسی است. قابلیت حذف مبنای مقایسه یکی از تمایزهای اصلی پایدارهای مقایسه‌ای از مقایسه‌های

آزاد است. نمی‌توان از ساختار مقایسه‌های آزاد، عنصر مبنای مقایسه را حذف کرد.

یکی از ویژگی‌های بارز پایدارهای مقایسه‌ای این است که پدیده‌ای پویا هستند. با تغییر سبک زندگی انسان‌ها و جوامع، تغییر در شرایط اقتصادی و سیاسی، پیدایش ابزار نوین زندگی، خلق داستان‌ها و قهرمانان جدید، مقایسه‌ها بیشتری جنبه پایدار پیدا کرده‌اند و به تدریج به پایدارهای مقایسه‌ای تبدیل، و در فرهنگ‌های موجود ثبت و ضبط می‌شوند. این پویایی پیدایش در امثال دیده نمی‌شود.

در زبان روسی، بررسی پایدارهای مقایسه‌ای سال‌هاست که توجه زبانشناسان روس را به خود جلب کرده است (لیبدو، موکینکو، آگولسوف، گورباچویچ) و جنبه‌های مختلف این پایدارها مورد بررسی قرار گرفته‌اند و فرهنگ‌های پایدار مقایسه‌ای تدوین شده‌اند. متأسفانه در زبان فارسی این حوزه چندان مورد توجه قرار نگرفته است. پایدارهای مقایسه‌ای را باید از لابه‌لای فرهنگ‌های امثال استخراج کرد. یکی از کامل‌ترین مجموعه‌هایی که از پایدارهای مقایسه‌ای تهیه شده است، فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی است که مشتمل بر ۳۷۴۴ مدخل پایدار مقایسه‌ای است. پایدارهای مقایسه‌ای مندرج در این فرهنگ، نه تنها مربوط به فارسی معیار، بلکه شامل پایدارهای مقایسه‌ای دیگر گویش‌ها و زبان‌های ایرانی نیز هستند. فرهنگ پایدارهای مقایسه‌ای موکینکو در زبان روسی، علاوه بر پایدارهای مقایسه‌ای روسی معیار، پایدارهای مقایسه‌ای مربوط به سایر گویش‌های روسی را هم درج کرده است و مشتمل بر ۱۱۰۰۰ مدخل است.

۲- تطبیق و بررسی پایدارهای مقایسه‌ای حوزه گفتار

با توجه به شمار زیاد پایدارهای مقایسه‌ای، امکان بررسی دقیق و همه‌جانبه آنها وجود ندارد. لذا نویسنده با انتخاب پایدارهای مقایسه‌ای حوزه فعالیت گفتاری به عنوان مشت نمونه خروار، نتایج حاصل را به کل پایدارهای مقایسه‌ای تعمیم می‌دهد. نمونه‌های مورد بررسی زبان روسی، از فرهنگ موضوعی پایدارهای مقایسه‌ای لیبدو (204-218) (Огольцев, 2001) و بخش فعالیت‌های گفتاری گزینش شده است و نمونه‌های زبان فارسی طی دو مرحله انتخاب شده‌اند: ابتدا از فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی، پایدارهای مقایسه‌ای که منبع آنها امثال و حکم دهخدا بوده است، انتخاب شده‌اند و از آنجا که در این فرهنگ، توضیح‌هایی در باب معانی و کاربرد مدخل‌ها وجود ندارد، برای استخراج معنی به امثال و حکم دهخدا رجوع شده است. پایدارهای مقایسه‌ای موجود در این حوزه، به ارزیابی میزان سخن‌گفتن، کیفیت صدا، ارزیابی کلی گفتار گوینده، ارزیابی گفته یا سخن و تأثیر گفته بر مخاطب می‌پردازند. پایدارهای مقایسه‌ای نمونه به ارزیابی فعالیت گفتاری انسان در موارد زیر پرداخته‌اند:

۱- میزان سخن‌گفتن افراد (پرحرفی و کم‌حرفی) یکی از مواردی است که در پایدارهای مقایسه‌ای متجلی می‌شود.

روس‌ها پرحرفی را با معیار- نماد «زاغ» (Как Сорока) و زبان آدم پرحرف را با معیار- نماد «جارو» (Помело) و تق‌تقی (трещотка)^۲ نشان می‌دهند، اما توانایی سخنوری

را به عنوان یک ویژگی مثبت با معیار-نماد «سیسرون» (Цицерон) توصیف می‌کنند.

سکوت کردن یا کم‌حرفی از جمله ویژگی‌هایی است که در ساختار پایدارهای مقایسه‌ای وارد شده است. در هر دو زبان روسی و فارسی، درباره شخص ساکت و خجالتی و یا کسی که سرسختانه جواب نمی‌دهد، می‌گویند: «انگار زبانش را قورت داده است» (Будто Язык Проглотил). همچنین روس‌ها از پایدار مقایسه‌ای «انگار آب تو گلوش ریختن» (Как Воды В Рот Набрал) هم در این معنا استفاده می‌کنند. معیار-نماد «سنگ» (Камень) به کسی اطلاق می‌شود که سرسختانه نمی‌خواهد با کسی حرف بزند و «لال» (Немой) به کسی که ساکت است و نمی‌خواهد در بحث شرکت کند؛ مثل «پارتیزان‌ها» (Партизан Как) به کسی که به عمل خود اعتراف نکرده است و سرسختانه می‌کوشد به پرسش پاسخ ندهد، «مثل کنده» (Как Пень) به شخص با دانش کم یا نادان اطلاق می‌شود که توانایی مشارکت در بحث را ندارد. کسی که نمی‌خواهد با دیگری حرف بزند و یا می‌تواند رازدار باشد، با معیار-نماد «ماهی» (Рыба)، «ماهی اطراف یخ» (Рыба Об Лед) و «جنازه» (Убытый) ارزیابی می‌شود. شخصی را که رازی دارد و ساکت نشسته است، معیار-نماد «ابوالهول» (Сфинкс) و فرد غیراجتماعی را که تمایلی برای حرف زدن با دیگران ندارد، با معیار-نماد «جغد» (Сыч) نشان می‌دهند. در منابع مورد بررسی زبان فارسی در این حوزه، تنها پایدار مقایسه‌ای «مثل دیوار» وجود دارد.

۲- شمار زیادی از پایدارهای مقایسه‌ی حوزه گفتار پیرامون ارزیابی کیفیت صدا هستند.

در فرهنگ زبانی روسی، صدای بلند با افعال و معیارهای نمادین متنوع نظیر «جیغ زدن/گریستن مثل بچه‌خوکی که می‌خواهند سر ببرند» (Визжать/Кричать Как Выпалить Как Из Резаный Поросенок)، «یکدفعه شلیک کردن مثل توپ» (Пушки Как За), «سروصدا کردن مثل زاغچه: (галдеть как галки)، «افعال فریاد زدن/نعره زدن» (Кричать/Орать) با معیار-نمادهای: «انگار از زبان آویزان کرده‌اند» (Язык Повешенный)، «مثل کرها» (Глухой) به معنای «بلند حرف زدن عمدی یا غیرعمدی»؛ معیار-نماد «انگار در جنگل است» (Как В Лесу)، انگار در بازار هستند (Как На Базаре)، انگار در آتش هستند (Как На Пожаре) به کسانی اطلاق می‌شوند که همزمان با هم هیجان‌زده می‌شوند و با صدای بلند حرف می‌زنند؛ مثل آنرمال‌ها (Как Ненормальны)، «مثل نوآموز تعالیم مسیحیت» (Как Оглашенный)، «مثل احمق‌ها» (Как Полоумный)، «مثل قربانی» (Как Потерпевший)، «انگار می‌کشندش» (Как Резанный) هم به کسانی اطلاق می‌شوند که با صدای بلند حرف می‌زنند. «مثل ترمپت اریحا» (Как Иерихонская Труба) معیار-نماد نشان‌دهنده صدای بلند مردانه است. در زبان فارسی، بلندی صدا با معیار-نمادهای «(مثل) توپ و تپانچه» بیان می‌شود. فعل نعره زدن با معیار-نماد «گاو» به کار می‌رود و گریستن با صدای بلند با معیار-نماد «مثل زن بچه‌مرده». پایدار مقایسه‌ای «مثل خر دجال» به کسی اطلاق می‌شود که پر سروصداست و با این کار، توجه بقیه را به خود جلب می‌کند، مثل شرف دجال به زن پرهیاهو، مثل حمام زنانه به جای بسیار پر سروصدا

و مثل کوچ کولی به جماعتی گفته می‌شود که با هم جایی می‌روند و با صدای بلند حرف می‌زنند.

در زبان روسی، صدای گنگ و نامفهوم با معیار- نمادهای متفاوتی ظاهر می‌شود؛ مانند: «انگار از تو بُشکه حرف می‌زند» (Как Из Бочки/ В Бочку)، «انگار آش تو گلوش ریختن» (Будто Каша Во Рту)، «انگار صدایش از زیر زمین می‌آید» (Как Как Заговорщики)، «پچ‌پچ کردن و نجوا کردن مثل خیانتکارها» (Из-Под Земли) به کسی اطلاق می‌شود که عمداً به‌گونه‌ای حرف می‌زند که دیگران متوجه نشوند، درباره‌ی کسانی که ظاهراً غمگین هستند و با هم پچ‌پچ می‌کنند، می‌گویند: «انگار در مراسم خاکسپاری هستند» (Как На Похоронах)، «خواندن و زیر لب سخن گفتن مثل خادم کلیسا» (Как Дьячок/ Пономарь) هم به کسی اطلاق می‌شود که متنی را با یک تُن و لحن یکنواخت و نامفهوم می‌خواند. در زبان فارسی، برای سخنان مبهم پایدار مقایسه‌ای «مثل آب انبار» به کار می‌رود.

یکنواخت و یکره‌یتم بودن صدا ویژگی دیگری است که پایدار مقایسه‌ای ساخته است. روس‌ها از پایدارهای مقایسه‌ای «مثل ماشینی که در حال حرکت است» (Говорить Как Заведённая Машина) برای کسی استفاده می‌کنند که مدت طولانی و یکنواخت و کسل‌کننده حرف می‌زند، «مثل دارکوب» (Долбить Как Дятел) به کسی گفته می‌شود که حرفی را به‌صورت یکنواخت تکرار می‌کند، «مثل زنبور یا زنبور عسل» (Жужжать Как Пчела/ Шмель) هم به کسانی گفته می‌شود که با صدایی یکنواخت با هم حرف می‌زنند، «مثل پشه وزوز کردن» (Жужжать Как Муха) هم به کسی گفته می‌شود که درباره‌ی چیزی غیرجذاب و یکنواخت حرف می‌زند. در زبان فارسی، در منابع مورد بررسی، برای یکنواختی معیار- نمادی یافت نشد.

گفتار با سرعت زیاد معمولاً نامفهوم هم هست. در زبان روسی، این خصیصه در پایدارهای مقایسه‌ای «حرف زدن مثل تَق تَقی» (Как Трещотка)، «شلیک کردن مثل مسلسل» (Как Пулемёт) متجلی می‌شود. در زبان فارسی، این ویژگی فقط در پایدار مقایسه‌ای «مثل خاتون پنجره» دیده می‌شود که به زنی اطلاق می‌شود که سریع حرف می‌زند.

صدای آرام و دلنشین در زبان روسی با معیار- نمادین «مثل شربت» (Как Патока) و «مثل موسیقی» (Как Музыка) توصیف می‌شود و در مواردی به کار می‌رود که گفتار متملقانه و برای مخاطب خوشایند است. در زبان فارسی، درباره‌ی فرد خوش‌آواز می‌گویند: «صدایش مثل بلبل است» و به فرد بدصدا هم می‌گویند: «مثل جغد بد‌آواز است» و «مثل سگ موس‌موس کردن» هم به «گفتار متملقانه» اطلاق می‌شود.

۳- علاوه بر ارزیابی کیفی، صداشماری از پایدارهای مقایسه‌ای حوزه‌ی فعالیت گفتاری به ارزیابی کلی گفته یا سخن می‌پردازند.

در زبان روسی، «مثل باقرقره (کوکر) صدا کردن» (Токовать Как Глухарь) برای کسانی به کار می‌رود که عاشقانه با هم حرف می‌زنند و به واکنش اطرافیان توجه ندارند، «مثل کبوتر بق‌بقو کردن» (Ворковать Как Голуби) هم در مورد عشاقی به کار می‌رود که آرام و لطیف با هم سخن می‌گویند. در پایدهای مقایسه‌ای زبان فارسی، گفتار دلنشین به «شکر» و شیرین‌زبانی به «عسل» مانند شده است.

در زبان روسی، به کسی که فقط یک چیز را مکانیکی و بدون احساس تکرار می‌کند یا می‌خواند، می‌گویند: «مثل شارمانکا»^۳ (Как Заведённая Шарманка). در زبان فارسی، در منابع مورد بررسی برای گفتار بی‌احساس و سرد، معیار- نماد «یخ» به کار می‌رود.

روس‌ها در باب کسی که گفتارش فصیح و روان است، از پایدار مقایسه‌ای «حرف می‌زند مانند آنکه می‌نویسد» (Как Пишет)، «انگار از روی نوشته حرف می‌زند» (Как По Писаному)، «مثل صدای جریان آب رودخانه» (Журчатъ Как Ручей) استفاده می‌کنند. همچنین پایدار مقایسه‌ای «مثل گنجشک آواز می‌خواند» (Как Соловей) هم به شخص خوش‌سخنی اطلاق می‌شود که می‌تواند با سخنان خود دیگران را به سوی خود جذب، وسوسه یا از راه به‌در کند. در زبان فارسی، پایدار مقایسه‌ای «مثل دُر» به «سخنان بدیع و دلنشین»، «مثل دمامه» به «دختر خوش‌سخن که موقع حرف زدن دستهایش را تکان می‌دهد»، «مثل سحبان» و «مثل حسان» به «شخص بسیار گشاده‌زبان و فصیح» اطلاق می‌شوند.

روس‌ها به مکالمه صریح و شفاف میان دو نفر می‌گویند: «حرف زدن مثل مرد با مرد» (Как Мужчина С Мужчиной) و درباره کسی که صادقانه حرف می‌زند یا اعتراف می‌کند، از پایدار مقایسه‌ای «انگار اعتراف می‌کند»^۴ (Как На Исповед) و یا «انگار برای وجدانش حرف می‌زند» (Как На Духу) به کار می‌رود و برعکس، در باب کسی که از جواب صادقانه دادن طفره می‌رود، می‌گویند: «مثل خرگوش راه می‌رود» (Петлять Как Заяц). در زبان فارسی، پایدار مقایسه‌ای «مثل مرد» به شخص رُک‌گو و آزادگو، «مثل مار» و «مثل مقراض» به شخص دوزبان و «مثل کفتار پیر» به شخص با گفتار فریبنده اطلاق می‌شود.

در هر دو زبان روسی و فارسی، پایدهای مقایسه‌ای وجود دارند که به سخنان ناخوشایند اطلاق می‌شوند. در زبان روسی، پایدهای مقایسه‌ای حرف می‌زند «انگار چاقو یا تبر می‌زند» (Как Ножом Отрезать, Как Топором Отрубить) و یا «زبان‌ش مثل تیغ است» (Как Бритва) در مفهوم کلام نیش‌دار و دلخراش به کار می‌روند. پایدار مقایسه‌ای «انگار اژه می‌کند» (Пилить Как Пила) هم در باب کسی گفته می‌شود که دیگران را با تعالیم اخلاقی و طعنه می‌آزارد. پایدهای مقایسه‌ای زبان فارسی در این مفهوم شامل «کلام برنده مثل اژه»، «سخن دلخراش مثل عقرب» و «جواب سخت مثل خنجر» است. در زبان روسی، کسی را که بدون فکر کلمات را پشت سر گوینده تکرار می‌کند، با معیار- نماد «مثل پژواک» (Как Эхо) و «مثل طوطی» (Как

Попугай) وصف می‌کنند. در فارسی، این معنا با معیار-نماد «مثل بُز اخفش» و «مثل طوطی» بیان می‌شود.

در زبان فارسی، چند معیار-نماد برای گفتار غیرجذاب و بی‌نمک وجود دارد: «مثل یخچال»، «مثل یخ»، «مثل شیربرنج بی‌نمک» و نیز به کسی که تشخیص نمی‌دهد کجا باید حرف بزند و کجا باید ساکت باشد، می‌گویند: «مثل خروس بی‌محل». اما در زبان روسی، در این موارد معیار-نمادی در منابع مورد بررسی یافت نشد. برعکس، در زبان روسی، برای نشان دادن کسی که با نجوای ناخوشایند و از میان دندان‌هایش حرف می‌زند، از معیار-نماد «مثل مار» (Как Змея) یا «مثل غاز» (Как Гусь)، برای کسی که گفتار بی‌ربط و از هم گسسته دارد، معیار-نماد «انگار هذیان می‌گوید» (Как В Бреду)، برای کسی که با اکراه جواب پرسش‌های دیگری را می‌دهد، پایدار مقایسه‌ای «حرف کشیدن از کسی مثل کُنه» (Как Клещ)، کسی که سریع خبرها را منتقل می‌کند، پایدار مقایسه‌ای «انگار گردو (از کیسه) درمی‌آورد» ((Сыпать Как Горох) (Из Мешка)) استفاده می‌شود، ولی در فارسی، در باب این مفاهیم، معیار-نمادی در منابع مورد بررسی وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

در راستای نشان دادن اهمیت پایدارهای مقایسه‌ای به‌عنوان واحدهای زبانی نشاندار فرهنگی، بررسی و مقایسه پایدارهای مقایسه‌ای ذکر شده به‌وضوح نمایانگر تفاوت در تصویر زبانی جهانی ایرانی‌ها و روس‌هاست. مشاهده می‌شود که تفاوت کمی و کیفی میان پایدارهای مقایسه‌ای دو زبان وجود دارد. در حوزه فعالیت گفتاری تعداد پایدارهای مقایسه‌ای زبان روسی به مراتب بیشتر از زبان فارسی است. تفاوت کیفی نیز در افعال به‌کار رفته در ساختار آنها و نیز معیار مقایسه است. برای مثال، وجود افعال ساخته شده از نام‌آواها در زبان روسی، مثل Токовать (صدای جریان آب رودخانه داشتن) یا Журчать (صدای باقرقره که جفتش را با آن صدا می‌کند)، مقایسه و سنجش کسی که از جواب دادن طفره می‌رود، با راه رفتن خرگوش که مسیر را مستقیم نرفته است و این طرف و آن طرف می‌پرد، مقایسه شخص کم‌دانشی که توانایی شرکت در بحث را ندارد، با گنده درخت، مقایسه شخص رازدار با ماهی و غیره تنها پس از توضیح دادن آنها برای ایرانی‌ها مأنوس خواهند بود. در کل، می‌توان در میان پایدارهای مقایسه‌ای ذکر شده به‌عنوان واحدهای نشاندار شده فرهنگی سه گروه قائل شد: ۱- پایدارهای مقایسه‌ای مشترک در دو زبان، یعنی داشتن معیار مقایسه یکسان که شمار آنها ناچیز است؛ مثلاً: «مثل دو مرد با هم حرف زدن». ۲- پایدارهای مقایسه‌ای که در دو زبان مشترک نیستند، ولی در میان سایر واحدهای زبانی نشاندار شده فرهنگی مشابهی دارند؛ مثلاً در مقابل پایدار مقایسه‌ای «زبان روسی حرف می‌زند، مانند آنکه می‌نویسد» در میان امثال زبان فارسی داریم: «لفظ قلم حرف می‌زند». ۳- پایدارهای مقایسه‌ای که مشابهی در میان واحدهای فرهنگی نشاندار شده زبانی موجود در زبان فارسی ندارند و شمار آنها زیاد است. تحلیل و بررسی پایدارهای مقایسه‌ای حوزه گفتار به‌عنوان جامعه نمونه در دو زبان فارسی و روسی اجازه می‌دهد نتایج حاصل از بررسی پایدارهای مقایسه‌ای این حوزه

را به کُل سیستم پایدارهای مقایسه‌ای دو زبان تعمیم دهیم. لذا باید ترجمه، آموزش و کاربرد این واحدهای زبانی حتماً با در نظر گرفتن جنبه‌های فرهنگی و نقش آنها در تصویر زبانی جهانی گویشوران همراه باشد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- منظور از معیار-نماد، معیارهایی هستند که جنبه نمادین پیدا کرده‌اند.
- ۲- نوعی اسباب‌بازی موزیکال است که از یک محور و یک بخش قابل چرخش ساخته شده است که معمولاً درون این بخش، مهره‌هایی نیز وجود دارند و با چرخاندن محور، صدای تَرَقُّ تَرُوق ایجاد می‌کنند. می‌توان گفت تقریباً شبیه تَبَلْک یا جِغِغَه است.
- ۳- ارمانکا (Barrel organ): نوعی آلت موسیقی جعبه‌مانند که با چرخاندن دسته آن، صدای موزیکال می‌دهد.
- ۴- آیین مذهبی اقرار به گناه نزد کشیش.

منابع و مآخذ

- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۳). *امثال و حکم*. چاپ ششم. تهران: انتشارات سپهر.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۲). *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی*. تهران: نشر علم.
- Алефиренко, Н.Ф. (2010). *Лингвокультурология. Ценностно-Смысловое Пространство Языка: Учебное Пособие*. Москва: Флинта.
- Воробьев, В.В. (1997). *Лингвокультурология (Теория И Методы): Монография*. Москва: РУДН.
- Лебедева, Л.А. (2011). *Устойчивые Сравнения Русского Языка: Краткий Тематический Словарь*. Москва: ФЛИНТА.
- Маслова, В.А. (2001). *Лингвокультурология: Учеб. Пособие Для Студ. Высш. Учеб Заведений*. Москва: Академия.
- Огольцев, В.М. (2001). *Словарь Устойчивых Сравнений Русского Языка (Синонимо- Антонимический)*. Москва: Астрель.
- Прохоров, Ю.Е. (2009). *В Поисках Концепта*. Москва: Флинта Наука.
- Ушинский, К. Д. (1949). *Родное Слово. Год -3Й. Руководство К Преподаванию По «Родному Слову»*. Собр. Соч. Т. 7. Москва: Акад. Пед Наук.

بررسی تطبیقی پایدارهای مقایسه‌ای به‌عنوان ...
شلیر ابراهیم شریفی

Валипур Алиреза, Ибрагимшарифи Шцэр. (2015). “Структурный Сопоставительный Анализ Категории Сравнения И Способы Её Выражения В Русском И Персидском Языках”. *Филологические Науки. Вопросы Теории И Практики*. № 53). 11). Часть 3.